تواتر سبع صغری حتی در قرائات متفرده

اگر یادتان باشد از مباحثات جلسات قبل به این نتیجه رسیدیم: ذهنیت شهید ثانی برای من طلبه بعد از چندین سال مباحثه برایم واضح است. یعنی اگر از شهید ثانی بپرسید همین را می‌گویند. ایشان می‌فرمایند ما که می‌گوییم «انحصار المتواتر»، منظورمان این است که تمام قرائات و محل های اختلاف در سبع صغری متواتر هستند. سبع صغری همه متواتر هستند. در سبع صغری شاذ ندارید. ببینید عبارات شهید باید معلوم باشد؛ اصطلاحات کلاس ایشان است. در سبع صغری همه حرفها متواتر است. ولو از حرفهایی باشد که بین چهارده یا بیست راوی، به آن متفرد باشد. مثال آن را قبلاً عرض کردم. «کفُواً» بود. در سوره مبارکه توحید که مهمترین سوره ای است که محل ابتلاء تمام مسلمین است، چهارده راوی در سبع و نوزده راوی از بیست راوی در عشر، «کُفُؤاً» یا «کُفؤاً» قرائت کرده‌اند و با همزه خوانده‌اند. تنها و تنها حفص از عاصم متفرد به دیگری است. خود ابن عیاش از عاصم «کُفُؤاً» را روایت کرده است اما فقط حفص «کُفُواً» را روایت کرده است. همزه را با واو روایت کرده است. همه هم آن را در نماز می‌خوانند.مرحوم سید در عروه[1] هم یکی را اضافه کردند و آن را خواندیم. فرمودند احتیاط این است که آن قرائت چهارمی نباشد. چون راوی ندارد.

ببینید نزد شهید ثانی حفص در میان بیست نفر متفرد است، اما داخل در سبع صغری است. چون داخل در سبع صغری است ولو حفص متفرد است، اما قرائت او نزد شیخ ثانی الی رسول الله ص متواتر است. ما این ذهنیت علماء را نباید تغییر بدهیم؛ اگر می‌خواهید در کنید، خب در کنید وبحث کنید. اما نگوییم شهید ثانی می‌خواهند چیز دیگری بگویند. این واضح و آشکار است که سبع صغری در ذهنیت شهید ثانی متواتر است. خب چرا گفتند «انحصار المتواتر فی السبع» و «ان من السبعه شاذ»؟! قبلاً موارد آن را عرض کردم و از تبیان و غیر آن شواهدی را آوردیم. منظورشان این بود: در سبع کبری و بیش از سبع کبری شاذ پیدا می‌شود. قبلاً مثالهای آن را عرض کردم. همچنین اختلاف علماء در عشر هست. عشر صغری محل اختلاف نبود. شهید اول فرموده بودند. شهید ثانی هم از آن دفاع کردند. دیگران نگفته بودند. عشر کبری را باز شهید اول فرموده بودند اما دیگران قبول نکردند.

بنابراین قبلاً آنها را سه بخش کردیم؛ سبع صغری را تمام علماء قبول کردند. حتی مقدس اردبیلی با دقت هایی که داشتند و زیر بار هیچ حرفی نمی رفتند، قبول کردند. فرمودند «کانه لاخلاف فیه». ولذا علامه می‌فرمایند: «احب القرائات الی ّقرائه عاصم بطریق ابی بکر بن عیاش»؛ یعنی هر چه ابی بکر گفته متواتر است ولو حفص از عاصم غیر از آن را روایت کرده است. حفص هم متواتر است. چون آن چه که حافظ می‌گوید «چهارده روایت»، همه چهارده روایتش متواتر است. نه فقط عاصم. این مبانی این آقایان است. سبع صغری را قبول داشتند؛ که طریق تیسیر و شاطبیه بود.

خود علامه حلی در اجازه نامه مفصلی که به بنی زهره نوشتند، اسمی از تیسیر و دانی و شاطبی نمی‌برند. در اجازه نامه که علامه به بنی زهره دادند فرمودهاند طریق اجازه قرائت ما به این مجاده

می‌رسد؛ نه از طریق دانی. از طریق جناب سید فضل الله راوندی صاحب نوادر. در منطقه کاشان دو راوندی داریم که معاصر بودند. یکی جناب قطب راوندی است که قبر مبارکشان در صحن است. یکی هم جناب سید فضل الله راوندی که در کاشان هستند. سید فضل الله از بزرگان صاحب اجازه در قرائات بودند. لذا طریقی که علامه حلی به سبعه ابن مجاهد دارند، از طریق همین سید فضل الله

[2] است. از طریق صفي الدين محمد بن معد الموسوي به سید فضل الله راوندی می‌رسد. این طریق علامه است.

---

[1]مستمسك العروة الوثقى، ج۶، ص: ۲۵۱؛«(مسألة ۵۸): يجوز في كُفُوا ًأَحَدٌ أربعة وجوه: (كفُؤاً) بضم الفاء و باللهمزة، و (كفْءاً) بسكون الفاء و باللهمزة و كُفُوا ًبضم الفاء و بالواو، و (كُفْواً) بسكون الفاء و بالواو، و إن كان الأحوط ترك الأخيرة».

[2]فدکیه

بازبینی #2
ایجاد شده 2 مه 2024 11:41:18 توسط ... .
به روزرسانی شده 6 ژوئن 2024 12:01:38 توسط ... .